

## تحلیل گفتمان انتقادی در شعر ارتعاش بر پایه الگوی فرکلاف (بررسی سه شعر از مجموعه کشمکش احسان مهدیان)

لیلا مشفق

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

رایانامه: [moshfegh1390@gmail.com](mailto:moshfegh1390@gmail.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	این پژوهش با رویکرد «تحلیل گفتمان انتقادی» نورمن فرکلاف به بررسی سه شعر از مجموعه کشمکش سروده احسان مهدیان به‌عنوان نماینده‌ای از گونه نوپدید «شعر ارتعاش» پرداخته است. هدف پژوهش، شناسایی سازوکارهای زبانی، گفتمانی و اجتماعی شکل‌گیری معنا در این شعرها و تبیین نسبت آن‌ها با گفتمان‌های فرهنگی و سیاسی معاصر است. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر الگوی سه‌سطحی فرکلاف (توصیف زبانی، تفسیر گفتمانی، تبیین اجتماعی) بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد شعر ارتعاش با گریز از نحو و زبان رسمی و با امتزاج گفتار روزمره، سیاسی و ادبی، گفتمان‌های متکثر جامعه را در خود بازتاب می‌دهد. در این میان، پیوند میان گفتمان روزمرگی و خشونت، بازتعریف مفهوم آزادی در قالب گفتمان مقاومت، و نقد زبان رسمی از مهم‌ترین سازوکارهای گفتمانی شعر مهدیان است. نتیجه آن‌که «شعر ارتعاش» نه صرفاً تجربه‌ای زبانی، بلکه کنشی فرهنگی در مرز میان زبان و جامعه است که از درهم‌تنیدگی صداها و ایدئولوژی‌ها معنا می‌سازد.
تاریخ دریافت:	
۱۴۰۴/۰۳/۲۳	
تاریخ پذیرش:	
۱۴۰۴/۰۸/۰۵	
واژه‌های کلیدی:	
تحلیل گفتمان انتقادی شعر ارتعاش فرکلاف گفتمان مقاومت احسان مهدیان	

## ۱. مقدمه

زبان در شعر نه صرفاً ابزاری برای بیان، بلکه بنیادی‌ترین عامل در شکل‌گیری معنا و جهان شعری است. در دهه‌های اخیر، توجه به نقش زبان در مطالعات ادبی، معناشناسی و علوم اجتماعی گسترش یافته و نقد زبان‌شناختی به جایگاه مهمی در تحلیل متون ادبی رسیده است. از این منظر، شعر نیز می‌تواند عرصه‌ای برای مطالعهٔ گفتمان‌های اجتماعی و فرهنگی تلقی شود.

در شعر فارسی معاصر، تحولات پس از نیما یوشیج زمینهٔ بهره‌گیری از نظریه‌ها و الگوهای تحلیل ادبی غربی را فراهم نموده است. یکی از این الگوها، تحلیل گفتمان انتقادی است که با بررسی رابطهٔ زبان، قدرت و ایدئولوژی به شناخت نحوهٔ بازتولید یا مقاومت در برابر گفتمان‌های مسلط می‌پردازد. در این پژوهش از مدل سه‌سطحی نورمن فرکلاف<sup>۲</sup> شامل توصیف زبانی<sup>۳</sup> تحلیل واژگان، نحو، سبک و انسجام متن، تفسیر گفتمانی<sup>۴</sup> (چگونگی درگیری صداها، گفتمان‌ها، ایدئولوژی‌ها در متن) و تبیین اجتماعی<sup>۵</sup> (ارتباط این گفتمان‌ها با ساختارهای قدرت و بافت فرهنگی-تاریخی جامعه) استفاده می‌شود تا تا سازوکار شکل‌گیری گفتمان در شعر مورد هدف پژوهش آشکار گردد.

«شعر ارتعاش» به عنوان یک گونهٔ نوپدید شعر آزاد که توسط «احسان مهدیان»، در میانهٔ دههٔ ۱۳۸۰، مطرح شده است به دلیل مولفه‌هایی مانند چندکانونی، مرکزگریزی و چندگفتمانی، میان متن و بافت اجتماعی پیوندی تازه برقرار کرده است که می‌تواند بازتابی از گفتمان‌های متقاطع روزمرگی، سیاست، دین و رسانه باشد، از همین رو نمونه‌ای مناسب برای تحلیل گفتمانی محسوب می‌شود.

## ۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در حوزهٔ تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده است اما در خصوص شعر ارتعاش که یک گونهٔ نوپدید در شعر آزاد فارسی است به جهت عمر کوتاه آن، موارد موثری دیده نشده است و این مقاله می‌کوشد با تکیه بر الگوی فرکلاف، نحوهٔ حضور و تعامل گفتمان‌های گوناگون را در سه شعر از مجموعهٔ «کشمکش» (مهدیان، ۱۳۹۴) بررسی کند.

<sup>۱</sup>Critical Discourse Analysis (CDA)

<sup>۲</sup> Norman Fairclough (1941)

<sup>۳</sup>Textual Practice

<sup>۴</sup>Discourse Practice

<sup>۵</sup>Social Practice

هدف این پژوهش، کشف سازوکارهای زبانی و اجتماعی شعر ارتعاش و ارائه بینشی تازه از نسبت زبان و قدرت در گونه‌های جدید شعری است.

## ۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

گونه شعری ارتعاش در میانه دهه ۱۳۸۰ و در بستر فضای مجازی شکل گرفت؛ تلاشی جمعی برای واکنش به رکود شعر معاصر و جست‌وجوی راهی تازه در پیوند میان زبان، معنا و مخاطب که توسط احسان مهدیان مطرح شد. ارتعاش نه مکتبی تثبیت‌شده است و نه دارای مانیفستی رسمی، بلکه نگرشی پویا به متن و تجربه شاعرانه است که در آن واقعیت امری ساخته و بازساخته ذهن و زبان تلقی می‌شود. شاعر با مسئله‌دار کردن واقعیت و کاهش اقتدار مؤلف، مخاطب را به هم‌آفرینی معنا دعوت می‌کند و متن را به میدان تعامل گفتمان‌های موازی و متضاد بدل می‌سازد. در این شعر، زبان ساختاری باز دارد و لایه‌های رسمی، گفتاری و محاوره‌ای در هم می‌آمیزند تا زبانی چندصدا و طبیعی پدید آید. تاریخ‌مندی متن، پذیرش آشوب و طنز اجتماعی، فاصله‌گذاری آگاهانه و جزئی‌نگری از دیگر ویژگی‌های این گونه است. (خدایار، ترکی و مشفق، ۱۴۰۳: ۱۱۸-۲۱۰)

پژوهش حاضر از نظر هدف، کیفی و توصیفی-تحلیلی است و بر مبنای مدل سه‌سطحی فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی انجام می‌شود. داده‌های پژوهش شامل سه شعر منتخب از مجموعه کشمکش (مهدیان، ۱۳۹۴) است که به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند تا بیشترین قابلیت بازنمایی چندگفتمانی و گسست از معیارهای پیشین شعر را داشته باشند.

مراحل انجام پژوهش بدین ترتیب است:

۱. استخراج واحدهای معنایی (سطر، بند و ترکیب‌های کلیدی) از سه شعر منتخب؛
  ۲. کدگذاری زبانی و گفتمانی بر اساس مدل فرکلاف؛
  ۳. شناسایی محورهای غالب گفتمان‌ها (جنگ، جنسیت، روزمرگی، سیاست، مقاومت)؛
  ۴. تفسیر و تبیین روابط میان گفتمان‌ها در بستر اجتماعی شعر.
- این روش امکان می‌دهد تا رابطه میان زبان، قدرت و ایدئولوژی در شعر ارتعاش آشکار شود و سازوکارهای زبانی شکل‌دهنده گفتمان‌های نوپدید پساجنگ، رسانه و روزمرگی در آثار مهدیان تحلیل گردد. بدین ترتیب، با به‌کارگیری منظم الگوی فرکلاف، گونه شعری ارتعاش، نه صرفاً به‌عنوان نوآوری زبانی، بلکه به‌مثابه بازتابی از تغییرات اجتماعی و فرهنگی در گفتمان معاصر فارسی تبیین می‌شود.

## ۳-۱. پیشینه پژوهش

تحلیل گفتمان انتقادی از دهه ۱۹۸۰ به وسیله پژوهشگرانی چون نورمن فرکلاف، تئون وندایک شکل گرفت و با تمرکز بر رابطه زبان و قدرت، به ویژه در متون رسانه‌ای و سیاسی، گسترش یافت. در این رویکرد، زبان نه ابزار خنثی بلکه میدان بازتولید ایدئولوژی تلقی می‌شود. در ایران نیز پژوهش‌هایی در زمینه تحلیل گفتمان متون ادبی انجام شده است. از جمله، آقاگل‌زاده (۱۳۸۶) در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات» متون ادبی را به منزله گفتمان‌هایی زبانی دانسته است که قابلیت چنین رویکرد تحلیلی را دارند؛ امری که موجب شد تحلیل گفتمان انتقادی در نقد متون روایی و شعر کلاسیک فارسی رواج یابد.<sup>(۱)</sup> در همین راستا، علی‌اکبری (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی شعری از سیمین بهبهانی با رویکرد فرکلاف» کوشیده است نوع گفتمان موجود در شعر بهبهانی و پیوند آن با ساختارهای اجتماعی را تبیین کند. با وجود این، تمرکز اغلب این پژوهش‌ها بر لایه زبانی شعر بوده و به تعامل میان گفتمان‌های اجتماعی و فرهنگی در سطح کلان کمتر پرداخته‌اند.

در سال‌های اخیر، کوشش‌هایی برای به‌کارگیری تحلیل گفتمان در شعر نو نیز انجام شده است. برای نمونه، امیرخانی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی فرآیندهای واجی کاهش و افزایش در شعرهای نو مهدی اخوان ثالث» با تمرکز بر جنبه‌های زبان‌شناختی، به سطح واجی شعر توجه نشان داده‌اند. این نوع پژوهش‌ها گرچه در گسترش کاربرد تحلیل گفتمان مؤثر بوده‌اند، اما بیشتر جنبه توصیفی داشته و از سطح زبانی فراتر نرفته‌اند.

با گسترش ترجمه آثار نظری غرب و رواج مباحث فلسفی - ادبی در مجلات دهه‌های اخیر، جریان‌های تازه‌ای در شعر فارسی پدید آمدند. رضا براهنی با طرح نظریه «زبانیت» آغازگر موجی از نوآوری‌های پست‌مدرن در شعر ایران شد.<sup>(۲)</sup> پس از او، جریان‌های شعری دهه هفتاد چون شعر زبان، شعر پسانیمایی و شعر حرکت به سوی فراروی از زبان، معنزدایی، نحوگریزی، چندصدایی و برهم زدن ساختار خطی زمان روی آوردند. (شفق و بحرانی، ۱۳۹۷: ۱۴۱-۱۶۲) بیشتر پژوهش‌های مرتبط با این دوره بر آثار براهنی تمرکز داشته‌اند. اکبریانی (۱۳۸۱) در مقاله «شاعر دهه شصت و هفتاد نتوانست، شاعر دهه هشتاد می‌تواند» در نشریه کارنامه به‌طور گذرا به شاعران زبان پرداخته است و طاهری (۱۳۸۴) در مقاله «پست‌مدرنیسم در شعر معاصر ایران» با رویکردی جامعه‌شناختی ویژگی‌های کلی شعر پست‌مدرن را تبیین کرده و تمرکز خود را بر براهنی نهاده است. همچنین لطیف‌نژاد (۱۴۰۳) در کتاب جریان‌شناسی شعر معاصر؛ شعر زبان، شعر پسازبان (۱۳۷۰-۱۴۰۳)، گونه‌های متنوع شعری

<sup>۱</sup>Teun Adrianus Van Dijk (1942)

این دوره را بررسی کرده اما هیچ‌یک از این آثار رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی را در مطالعه شعرهای پست‌مدرن به کار نبرده‌اند.

در میان جریان‌های نوپدید دهه ۱۳۸۰، «شعر ارتعاش» که نخستین بار توسط حلقه‌ای از شاعران جوان از جمله احسان مهدیان مطرح شد، با تأکید بر هم‌زیستی گفتمان‌های متضاد و انکار مرکزیت معنا، تجربه‌ای پست‌مدرن از زبان شعر ارائه می‌دهد. تاکنون تنها یک مقاله با عنوان «ارتعاش شعر بی‌بدن: معرفی مؤلفه‌های شعر ارتعاش» (خدایار و همکاران، ۱۴۰۳) منتشر شده که بیشتر به معرفی مبانی نظری این گونه اختصاص دارد و هنوز پژوهشی تحلیلی و روشمند بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی بر آن انجام نگرفته است.

مرور این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اگرچه تحلیل گفتمان انتقادی در نقد شعر فارسی سابقه دارد، اما کاربرد آن در گونه‌های نوپدید پست‌مدرن، از جمله شعر ارتعاش، مغفول مانده است. پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر مدل سه‌سطحی فرکلاف، سازوکارهای زبانی و اجتماعی شکل‌گیری گفتمان در شعر احسان مهدیان را تحلیل کند و از این رهگذر، شناختی تازه از کارکرد زبان و قدرت در گونه‌های جدید شعر آزاد فارسی ارائه دهد.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. مبانی نظری

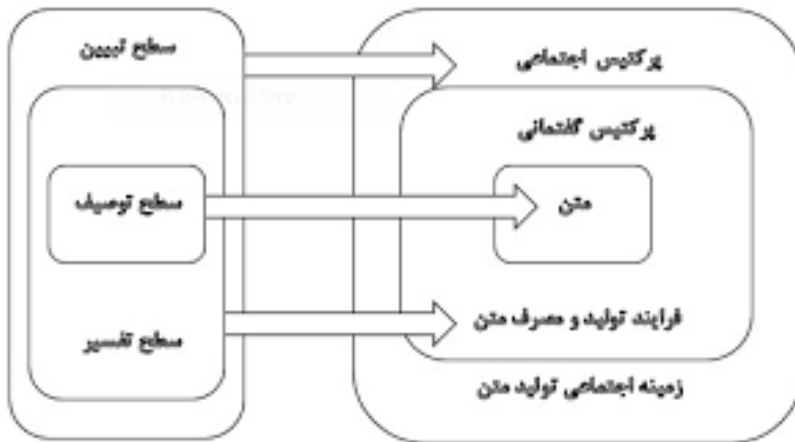
تحلیل گفتمان<sup>(۳)</sup> در ساده‌ترین تعریف، مطالعه‌ی زبان در بستر اجتماعی است. این مفهوم نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ توسط زلیگ هریس مطرح شد (بهرام پور، ۱۳۷۹: ۲۲) و سپس با رویکردی اجتماعی‌تر در آثار میشل فوکو (۱۹۷۲) بسط یافت. فوکو گفتمان را نه صرفاً مجموعه‌ای از گزاره‌های زبانی، بلکه شبکه‌ای از روابط قدرت، دانش و ایدئولوژی دانست که واقعیت را شکل می‌دهند. از نگاه او، هر گفتمان بازتاب نظام‌های دانایی خاصی است که تعیین می‌کنند چه کسی، درباره‌ی چه چیز و چگونه سخن بگوید.

در ایران نیز نخستین بار داریوش آشوری در مقاله «نظریه غرب زدگی و بحران تفکر در ایران» از این اصطلاح استفاده کرد. (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۵)

در دهه‌های بعد، تحلیل گفتمان به‌ویژه در آثار نورمن فرکلاف، تئون ون‌دایک وارد مرحله‌ای انتقادی شد. تحلیل گفتمان انتقادی (CDA)<sup>(۴)</sup> بر این فرض استوار است که زبان نه ابزار خنثی برای ارتباط، بلکه وسیله‌ی بازتولید یا مقاومت در برابر ساختارهای قدرت است (فرکلاف، ۱۹۹۵).<sup>(۵)</sup> به بیان دیگر، هر متن زبانی در درون بافتی از روابط اجتماعی تولید می‌شود و می‌تواند ایدئولوژی‌های مسلط را بازتاب دهد یا به چالش بکشد. (یورگنسن و فلیپس،

مدل سه‌سطحی فرکلاف، کاربردی‌ترین چارچوب در این حوزه است. این مدل سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین را شامل می‌شود:

۱. توصیف زبانی: بررسی عناصر واژگانی، نحوی، سبکی و انسجام متن؛
  ۲. تفسیر گفتمانی: تحلیل چگونگی تعامل صداها، گفتمان‌ها و بینامتنیت در ساخت معنا؛
  ۳. تبیین اجتماعی: تفسیر نتایج در بستر ساختارهای قدرت، تاریخ و ایدئولوژی.
- بنابراین مدلی که فرکلاف از تحلیل گفتمان ارائه می‌دهد چنین است:



نمودار (۱-۳): مدل تحلیل گفتمان فرکلاف

بدین ترتیب، تحلیل متن از سطح زبان فراتر می‌رود و به فهم ارتباط میان زبان و جامعه منتهی می‌شود.

برای تبیین شعر، این مدل از دو جهت اهمیت دارد: نخست، شعر از آن‌رو که نظام زبانی خاص و فشرده‌ای دارد، می‌تواند سازوکارهای تولید معنا را به صورت برجسته آشکار کند؛ دوم، شعر معاصر به‌ویژه در شکل‌های پست‌مدرن خود، میدان تلاقی گفتمان‌های ناهمگون است. در چنین شرایطی، تحلیل گفتمان انتقادی ابزار مؤثری برای کشف روابط میان زبان شعری و ساخت اجتماعی فراهم می‌کند.

در کنار فرکلاف، نظریه چندآوایی باختین (۱۹۸۱) و مفهوم بینامتنیت نزد کریستوا، دو مؤلفه نظری مکمل‌اند که به فهم و تشخیص چندصدایی در شعر کمک می‌کنند. باختین معتقد است هر متن حاصل گفت‌وگوی صداها و آگاهی‌های گوناگون است و معنا از تعامل این صداها پدید می‌آید. در شعر ارتعاش نیز همین ویژگی دیده می‌شود؛ زبان روزمره، رسانه‌ای، دینی و فلسفی درهم می‌آمیزند و ساختی چندگفتمانی می‌سازند. بینامتنیت، به‌عنوان ویژگی ذاتی شعر پست‌مدرن، امکان پیوند متون و ارجاع به گفتارهای متنوع فرهنگی را فراهم می‌کند و نشان می‌دهد هیچ متنی در خلأ، معنا تولید نمی‌کند.

از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی، این چندگفتمانی و درهم‌تنیدگی صداها صرفاً ویژگی زبانی نیست، بلکه نشانه تحولات فرهنگی و اجتماعی در جامعه مدرن و پست‌مدرن است. شعر معاصر با کنار هم نشان دادن زبان‌های متضاد، به عرصه‌ای برای مذاکره گفتمان‌های قدرت تبدیل می‌شود.

در این پژوهش، چارچوب نظری بر مبنای الگوی سه‌سطحی فرکلاف بنا شده است. سطح نخست، ویژگی‌های زبانی اشعار احسان مهدیان را بررسی می‌کند؛ سطح دوم، روابط میان گفتمان‌ها و صداها را تحلیل می‌کند؛ و در سطح سوم، تأثیر ساختارهای اجتماعی و تاریخی بر شکل‌گیری این گفتمان‌ها تبیین می‌شود. این رویکرد امکان می‌دهد تا شعر ارتعاش به‌عنوان گونه‌ای چندآوایی و مرکز‌گریز در نسبت با گفتمان‌های سیاسی، فرهنگی و روزمره ایران معاصر فهم شود.

افزون بر این، رویکرد فرکلاف با تأکید بر «فرآیند تولید و دریافت متن» به تحلیل شعر معاصر کمک می‌کند تا هم تجربه شاعر و هم موقعیت مخاطب در ساخت معنا لحاظ شود. در شعر ارتعاش، معنا نه در متن ثابت، بلکه در فرآیند خوانش و گفت‌وگو میان صداها متکثر شکل می‌گیرد؛ امری که تحلیل گفتمان انتقادی امکان تبیین آن را فراهم می‌آورد، تحلیل گفتمان‌ها و ژانرهایی که در تولید و مصرف متن مفصل‌بندی شده‌اند.

## ۲-۲. تحلیل گفتمان انتقادی در سه شعر از مجموعه کشمکش احسان مهدیان

هر متن ادبی، به‌ویژه شعر، در بستر شبکه‌ای از گفتمان‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی شکل می‌گیرد. شعر ارتعاش نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ بلکه دقیقاً در نقطه تلاقی گفتمان‌های متکثر معاصر پدید آمده است. در این گونه شعری، زبان از شفافیت و خطی بودن فاصله می‌گیرد تا چندصدایی، گسست و تعلیق معنا را ممکن سازد. از این منظر، شعر ارتعاش نه بازتابی از واقعیت بیرونی، بلکه فرایند بازسازی آن در سطح زبان است؛ جایی که معنا از گفت‌وگوی صداها، تنش‌های ایدئولوژیک و تجربه‌های زیسته شاعر و جامعه شکل می‌گیرد.

تحلیل گفتمان انتقادی، به‌ویژه در الگوی سه‌سطحی نورمن فرکلاف، چارچوبی مناسب برای درک این پویایی معنایی فراهم می‌کند؛ زیرا این رویکرد، زبان را به‌مثابه کنشی اجتماعی می‌نگرد که در آن روابط قدرت و ایدئولوژی نهفته است. در شعر ارتعاش، این روابط در قالب درهم‌آمیزی لایه‌های گفتمانی -سیاسی، دینی، رسانه‌ای و روزمره- نمود پیدا می‌کند. شاعر با شکستن قواعد نحوی، جابه‌جایی بافت‌های معنایی و واژگون‌سازی گفتار رسمی، زبان را از اقتدار بازمی‌ستاند و به عرصه‌ای برای مقاومت و بازآفرینی بدل می‌کند.

در این بخش با تکیه بر مدل فرکلاف، سه شعر منتخب از مجموعه کشمکش احسان مهدیان در سه سطح «توصیف زبانی»، «تفسیر گفتمانی» و «تبیین اجتماعی» تحلیل می‌شوند تا سازوکارهای زبانی تولید معنا، چگونگی درگیری صداهای متضاد و بازنمایی قدرت و مقاومت در بافت اجتماعی معاصر آشکار گردد. هدف این تحلیل، فهم شیوه‌هایی است که شعر ارتعاش از طریق آن‌ها زبان را به میدان گفت‌وگو و جدال گفتمان‌های معاصر بدل می‌کند. با توجه به آنچه گفته شد، در شعر ارتعاش زبان نه فقط ابزار بیان، بلکه عرصه کنش و نزاع گفتمان‌هاست. از این‌رو، در تحلیل اشعار احسان مهدیان باید نشان داد که چگونه ساخت‌های زبانی و تصاویر شعری، ردپای این درگیری گفتمانی را در خود دارند. در سه شعر منتخب از مجموعه کشمکش، گفتمان‌های متعددی چون جنگ و مقاومت، روزمرگی، سیاست، عشق و رسانه درهم می‌آمیزند و شبکه‌ای از معنا می‌سازند که در آن هیچ صدایی بر دیگری برتری ندارد. این گسست از مرکزیت، ویژگی بنیادین شعر ارتعاش است.

در ادامه، نخستین شعر با مدخل «سلام آقای بادمجان» از منظر سه سطح تحلیل فرکلاف بررسی می‌شود تا چگونگی برساخت زبان چندآوا، تعامل صداهای متضاد و بازنمایی قدرت در ساختار شعری مهدیان آشکار گردد.

### شعر اول:

«سلام آقای بادمجان / گوجه‌ها سرخ شدند / بردار!  
 دلم را پاره کردم برای روزنامه‌ای که بی‌خبر مانده  
 اما می‌دانی جدول این خیابان حل نمی‌شود؟  
 هنوز مادر علی رخت می‌شورد  
 کبابی‌ها زبان چرب و نرم‌تری دارند  
 من وسط همین جنگ به دنیا آمدم و نافم را با ترکش بریدند / جفتم را به اسارت

بردند

جایی که گلوله حق تقدم دارد آدم‌ها را با قبضه‌هایشان می‌شمارند  
 قول می‌دهم بانوی اول هوس مو به سرش نزنند  
 گزینه دردناکی است شعر!  
 گزینه مرگ‌آوری ست عشق  
 کار جهان برعکس است.  
 زخم‌های بزرگ آدم‌های کوچک را می‌کشد با کتاب‌هایی که می‌گویند در تبعید است  
 زمین چند کیلو برای آب این گلیم گشاد است

خاک بر فرق شعر نمی‌کوبیم راست  
 از هر دنده که بلند شویم زنییم  
 از هر دنده که برخیزیم مردیم  
 شاید زنده در شعرهایی هستیم که بو می‌کشید  
 ما عاشق می‌شویم و کارتان سخت می‌شود.»  
 (مه‌دیان: ۱۳۹۴: ۱۸)

جدول (۵-۱): کدگذاری سه‌سطحی بر پایه مدل فرکلاف - شعر اول

شماره	گزاره / سطر شعری	سطح زبانی (ویژگی‌های سبکی و نحوی)	سطح گفتمانی (گفتمان‌های فعال و تعامل آن‌ها)	سطح اجتماعی (بازتاب قدرت / ایدئولوژی / زمینه تاریخی)
۱	سلام آقای بادمجان / گوجه‌ها سرخ شدند	واژگان روزمره، حذف فعل، گفتار محاوره‌ای	گفتمان معیشت و زندگی روزمره و طنز	بازنمایی طبقه فرودست و زیست معیشتی در شعر معاصر
۲	دلم را پاره کردم برای روزنامه‌ای که بی‌خبر مانده	استعاره از رسانه و سانسور؛ نحو بی‌قرینه	گفتمان رسانه و سانسور اطلاعات	نقد ساختار اطلاع‌رسانی و بی‌صدایی در جامعه
۳	هنوز مادر علی رخت می‌شورد	لحن ساده و روایی؛ ارجاع به مادر سنتی	گفتمان خانواده / زنانگی / استمرار جنگ	تداوم بار عاطفی جنگ در زیست زنان طبقه پایین
۴	نافم را با ترکش بریدند	تصویر خشونت زاده‌شدن؛ فعل معلوم	گفتمان جنگ و خشونت	نسل‌پس‌انگ و طبیعی‌شدن خشونت در حافظه جمعی

۵	کبابی‌ها زبان چرب و نرم‌تری دارند	ایجاز، تضاد معنایی	گفتمان فساد و ریا در جامعه	نقد اخلاق دوگانه و زبان فریبنده قدرت
۶	از هر دنده که بلند شویم زنیم / از هر دنده که برخیزیم مردیم	ساختار موازی، جناس معنایی	گفتمان جنسیت، برهم‌زدن دوگانگی زن/مرد	نقد اجتماعی جنسیت و هویت دوتایی
۷	من وسط همین جنگ به دنیا آمدم	جمله خبری ساده	گفتمان جنگ / تولد / حافظه	تجربه زیست‌شده جنگ در بستر ملی
۸	کار جهان برعکس است	جمله حکمی، ایجاز	گفتمان پوچ‌انگاری / بی‌نظمی	بی‌اعتمادی به نظم عقلانی و ایدئولوژی رسمی

شعر نخست با آغاز غیرمنتظره «سلام آقای بادمجان» ساختار رسمی گفتار را فرو می‌پاشد و بلافاصله مخاطب را به فضای زبان روزمره پرتاب می‌کند. در سطح زبانی، حضور ترکیب‌های گفتاری («دل‌م را پاره کردم»، «جدول خیابان حل نمی‌شود») نشان‌دهنده شکستن هنجارهای نحوی و ورود صداهای متکثر اجتماعی به بافت شعر است. این انتخاب‌های زبانی، همان‌گونه که فرکلاف اشاره می‌کند، بازتابی از جابه‌جایی قدرت در گفتمان‌اند؛ زبان رسمی کنار زده می‌شود تا گفتار حاشیه‌نشینان مجال بیان یابد.

در سطح گفتمانی، تضاد میان تصویر جنگ («نافم را با ترکش بریدند») و طنز روزمره («آقای بادمجان») نوعی هم‌نشینی میان گفتمان خشونت و زیست روزمره را شکل می‌دهد. شاعر با این هم‌زیستی، امر تراژیک را از مقام اسطوره‌ای به سطح تجربه عادی فرو می‌کشد. به تعبیر فرکلاف، این همان «دموکراتیزه شدن گفتار» است که در آن زبان قدرت از انحصار نخبگان خارج می‌شود.

در سطح اجتماعی، شعر صدای نسلی را بازنمایی می‌کند که در میان بازمانده‌های جنگ و بحران معیشت به‌دنبال معنا می‌گردد. بنابراین، شعر نخست نمایانگر نوعی زیست در وضعیت

آستانه<sup>(۶)</sup> است، جایی میان بقا و فروریزی، که گفتمان‌های رسمی جنگ و واقعیت معاصر در برخورد با زبان عامیانه بی‌اعتبار می‌شوند.

### شعر دوم:

«دلم تنگ است پرنده از شانه‌هایم خواهد پرید حتی کلاغ‌ها بر شانه‌ام نمی‌آیند.  
 قناری قفس هم چه‌چه رفتن سر می‌داد  
 می‌گفت این خانه برای من کوچک است باید به جایی بروم که از آنجا آمدم  
 باور کنید آزاد بود  
 او خانه را قفس و قفس را خانه می‌دانست / نمی‌دانست  
 می‌گفت نسل تو منقرض شده است باید برای خودم فکری بکنم  
 من تنها بودن را عادت کردم  
 حتی با یک تریچه می‌توانم باغچه باشم  
 پرنده گفت این درخت را باید کلاغ‌ها لانه بسازند  
 اما من لانه‌های زیادی در نهال‌های جنگل می‌سازم که از دیدنم بخوانند  
 اما تو اگر چند گنجشک به دیدنم بیایند فرو می‌ریزی  
 پرنده راست می‌گفت آری دیگر پیر شدم / از من حتی یک صندلی در نمی‌آمد  
 قناری راست می‌گفت باید برگردد، هنوز هستند کسانی که چشم انتظار او باشند  
 دیگر دلش برایم تنگ نشود دیگر دلش برایم تنگ نمی‌شود، او می‌رود و من فقط یک  
 خاطره بی‌نشان شاید  
 اما تو عاشق شدن را به من آموختی»  
 (مهدیان، ۱۳۹۴: ۳۰)

جدول (۵-۲): کدگذاری سه‌سطحی بر پایه مدل فرکلاف- شعر دوم

سطح اجتماعی (بازتاب قدرت/ ایدئولوژی/ زمینه تاریخی)	سطح گفتمانی (گفتمان‌های فعال و تعامل آن‌ها)	سطح زبانی (ویژگی‌های سبکی و نحوی)	گزاره / سطر شعری	کد
سوژه منفعل در جامعه مدرن	گفتمان عاطفه / تنهایی	جمله عاطفی، استعاره حیوانی	دلم تنگ است، پرنده از	۱

			شانه‌هایم خواهد پرید	
۲	قتاری قفس هم چه رفتن سر می‌داد	تضاد قفس/آزادی	گفتمان آزادی / محدودیت	انتقاد از جامعه بسته و خودفریبی آزادی
۳	این خانه برای من کوچک است باید به جایی بروم	گفتار مستقیم / لحن محاوره	گفتمان مهاجرت / بی‌خانمانی	بحران مکان و هویت در نسل جدید
۴	من تنها بودن را عادت کردم	خودگویی، تکرار ضمیر اول شخص	گفتمان فردیت / درون‌گرایی	زوال پیوندهای جمعی و انزوای سوژه مدرن
۵	پرنده گفت: این درخت را باید کلاغ‌ها لانه بسازند	گفت‌وگوی استعاری، بینامتنیت حیوانی	گفتمان گفت‌وگویی / طبیعت / زبان	جابه‌جایی نقش‌ها و فروپاشی معناهای تثبیت‌شده
۶	قتاری راست می‌گفت، باید برگردد	تأیید متناقض، زمان حال	گفتمان فقدان / بازگشت / خاطره	حسرت گذشته و ناپایداری هویت معاصر

در شعر دوم، تم محوری تنهایی و گفت‌وگوی شاعر با پرنده، بستری برای بازتاب گفتمان آزادی و محدودیت فراهم می‌آورد. در سطح زبانی، ساختار روایی ساده و گفت‌وگویی، و کاربرد افعال تردید («می‌دانست / نمی‌دانست») فضای تعلیق و دوگانگی معنایی می‌سازد. این دوگانگی همان چیزی است که فرکلاف آن را «بهام گفتمانی» می‌نامد؛ شکلی از ناپایداری معنا که خود حامل مقاومت در برابر قطعیت ایدئولوژیک است.

در سطح گفتمانی، قناری نمادین میان آزادی و عادت نوسان می‌کند. قفس را خانه می‌نامد، خانه را قفس، و این جابه‌جایی معنای نوعی واژگون‌سازی نرم قدرت است. اینجا مقاومت نه در فریاد، بلکه در بازتعریف واژه‌هاست. شاعر از طریق زبان، سلطه را به بازی می‌گیرد و از همین بازی زبانی، «گفتمان مقاومت»<sup>(۷)</sup>، شکل می‌گیرد.

در سطح اجتماعی، شعر دوم بیانگر تجربه سوژه‌ای است که میان میل به رهایی و واقعیتِ درونی شده قفس زندگی می‌کند. این سوژه، محصول دوران پساجنگ و خستگی جمعی است؛ انسانی که از کنش سیاسی فاصله گرفته و مقاومتش به سطح درونی و نمادین منتقل شده است.

### شعر سوم:

«کمی زمان برای تنبیه آفتاب لازم است.

ابرها برسند و قیافه و شکلک از خودشان در بیاورند، حالا نظرت را در باره هوایی که

بر سرم دارم بنویس!

من و تو سیبل مقابل دردهای چاق شده‌ایم

ما دنبال قیافه‌های ماهی‌ندیده افتادیم در رودخانه‌ای که خیالمان را پنبه کرد

داعش از یونجه‌های دیگران شکم کرده تا بناگوش عرب‌ها بالا می‌کشد

کسی لقمه‌ای برای سنگ‌های این آبادی کنار بگذارد تا پایان جام جهانی جام‌های

تازه‌ای را سر می‌کشیم

رباعیات خیام و غزل‌های حافظ

هر کدام دانه‌ای از کیوتران حرم در مشهد گرفتند

خیال خام خوک‌های وحشی از کاخ سفید بر شد.

ما کمین کردیم در گوشه گوشه دل‌هایی که عاشق شدند

حالا زاویه به تنگ افتاده

ما در قیافه خود ۸ سال غرور و بغض پنهان داریم بعد از من باران ببارد / باران بزن!

هوایی که در سرم دارم صاف تا کمی خشمگین است تا نیزارهای جنوب از پیری در

بیایند ما مختار هستیم

تمام دردهایمان را در روغن کرده آل‌سعود را بچرخانیم

مختار هستیم که .... مختاریم.

(مهدیان، ۱۳۹۴: ۴۲)

جدول (۳-۵): کدگذاری سه‌سطحی بر پایه مدل فرکلاف- شعر سوم

شماره	گزاره / سطر شعری	سطح زبانی (ویژگی‌های سبکی و نحوی)	سطح گفتمانی (گفتمان‌های فعال و تعامل آن‌ها)	سطح اجتماعی (بازتاب قدرت/ ایدئولوژی/ زمینه تاریخی)
۱	کمی زمان برای تنبیه آفتاب لازم است	ایجاز، تشخیص طبیعت	گفتمان اعتراض / طبیعت / زمان	نقد قدرت در قالب استعاره طبیعی
۲	داعش از یونجه‌های دیگران شکم کرده	نقیضه، زبان خبری	گفتمان سیاست جهانی/خشونت مذهب‌های ساختگی (فرقه‌ها)	نقد بنیادگرایی و مصرف رسانه‌ای از خشونت
۳	رباعیات خیام و غزل‌های حافظ...	بینامتنیت ادبی	گفتمان سنت / ادبیات کلاسیک	پیوند گذشته فرهنگی با حال سیاسی
۴	خیال خام خوک‌های وحشی از کاخ سفید بر شد	لحن هجوآمیز / کنایه	گفتمان امپریالیسم / غرب	انتقاد از سلطه فرهنگی و سیاسی غرب
۵	ما کمین کردیم در گوشه گوشه دل‌هایی که عاشق شدند	ضمیر جمع / واژگان جنگی	گفتمان عشق / مقاومت	تلفیق امر عاطفی و سیاسی در سوژه جمعی
۶	ما مختار هستیم... مختاریم	تکرار / فعل جمعی	گفتمان اختیار / کنشگری سیاسی	بازسازی سوژه فعال و مقاوم در برابر سلطه

شعر سوم با لحنی آشوبزده و تصاویر تکه‌تکه، اوج گسست زبانی و گفتمانی در شعر مه‌دیان است. در سطح زبانی، جملات کوتاه و ناتمام، تکرار و ترکیب واژه‌های رسانه‌ای و مذهبی («داعش»، «جام جهانی»، «رباعیات خیام») نشانگر درهم‌تنیدگی زبان رسمی، دینی و فرهنگی‌اند. این همان چیزی است که فرکلاف از آن به عنوان «درهم‌رفتگی بینامتن‌ها» یاد می‌کند: حضور هم‌زمان چند گفتمان در یک متن واحد.

در سطح گفتمانی، شاعر از طریق طنز تلخ و آشفتگی نحوی، گفتمان‌های قدرت را به تمسخر می‌گیرد. ارجاع به سیاست و مذهب در کنار واژه‌های روزمره، شکل تازه‌ای از نقد اجتماعی می‌سازد که در آن زبان به ابزار افشاگری بدل می‌شود. این شعر یکی از چندصدایی‌ترین نمونه اشعار مه‌دیان است؛ در آن صداها تاریخی، سیاسی و عاطفی به گفت‌وگو می‌نشینند بی‌آنکه هیچ‌یک بر دیگری غلبه یابد.

در سطح اجتماعی، شعر سوم بازتاب شرایط جامعه‌ای است که در آن بحران‌های سیاسی و رسانه‌ای به بخشی از زیست روزمره بدل شده‌اند. تکرار عبارت «مختار هستیم» از سطح شعار به کنایه تبدیل می‌شود؛ گفتمان آزادی در پوسته‌ای تهی بازتولید می‌گردد. به این ترتیب، شعر سوم، با واژگون‌سازی نشانه‌های رسمی و ساختارهای گفتار سیاسی، گفتمان مقاومت فرهنگی را در قالبی طنزآمیز و بینامتنی بازتولید می‌کند.

در سه شعر منتخب، حرکت از گفتمان فردی به جمعی، و از زبان توصیفی به زبان انتقادی دیده می‌شود. در سطح زبانی، شکستن نحو و امتزاج گفتار رسمی و محاوره‌ای، به گفتمان‌های همسو و متخالف مجال حضور داده است؛ در سطح گفتمانی، تعامل میان روزمرگی، سیاست و تاریخ، زبان شعر را به میدان قدرت و مقاومت بدل کرده است؛ و در سطح اجتماعی، شعر ارتعاش بازتاب تجربه نسلی است که در میانه بحران‌های ایدئولوژیک و رسانه‌ای، معنا را نه در وحدت بلکه در تکثر می‌جوید.

در مجموع، تحلیل سه شعر منتخب نشان داد که شعر ارتعاش با درهم‌تنیدن گفتمان‌های روزمره، سیاسی، فرهنگی و تاریخی، به بستری برای گفت‌وگوی صداها ناهمگون تبدیل می‌شود. این شعر با برهم‌زدن مرز میان زبان رسمی و گفتار طبیعی، نوعی دموکراسی زبانی ایجاد می‌کند که در آن معنا نه در یک محور ثابت، بلکه در تعامل و تنش میان صداها شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، شکستن نحو، امتزاج لایه‌های گفتاری و طنین طنز تلخ، سازوکارهای گفتمان مقاومت را در سطح زبان فعال می‌سازد؛ مقاومتی که نه از موضع تقابل آشکار، بلکه از طریق افشا، جابه‌جایی و بازی با نشانه‌های قدرت صورت می‌گیرد. در این چشم‌انداز، سوژه شعری مه‌دیان نه فردی منفعل، بلکه کنشگری است که در مرز میان نظم مسلط و امکان

رهایی زیست می‌کند، سوژه‌ای آستانه‌ای که جهان را نه از منظر ثبات، بلکه از منظر تلاطم و گفت‌وگو می‌بیند.

بر پایه این یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که شعر ارتعاش نه صرفاً تجربه‌ای زبانی، بلکه بازتابی از مناسبات قدرت و مقاومت در بستر فرهنگی معاصر است؛ از این‌رو، در بخش نتیجه‌گیری به تبیین نهایی این سازوکارهای گفتمانی پرداخته می‌شود.

### ۳. نتیجه‌گیری

برآیند تحلیل سه شعر منتخب از مجموعه کشمکش نشان داد که شعر ارتعاش نه صرفاً تجربه‌ای زبانی، بلکه بازتابی از مناسبات قدرت، ایدئولوژی و مقاومت در متن جامعه معاصر است. در این شعرها، معنا در نتیجه گفت‌وگوی چندگفتمانی میان صداهای رسمی، روزمره و شاعرانه شکل می‌گیرد. شاعر از طریق برهم‌زدن نحو و آمیزش لایه‌های زبانی، ساختار تثبیت‌شده معنا را متزلزل می‌کند و از دل این تزلزل، سوژه‌ای آگاه و کنشگر پدید می‌آورد که در مرز میان نظم مسلط و امکان رهایی زیست می‌کند. برای روشن‌تر شدن ابعاد گفتمانی شعر ارتعاش، جدول زیر سه الگوی اصلی را که از تلفیق یافته‌های تحلیلی به‌دست آمده‌اند، خلاصه می‌کند:

جدول (۶-۱): الگوهای گفتمانی استخراج‌شده از شعر ارتعاش

سطح تحلیلی	محور غالب گفتمانی	سازوکارهای زبانی و سبکی	کارکرد اجتماعی - ایدئولوژیک
زبان	درهم‌تنیدگی گفتار رسمی و روزمره	حذف فعل، نحو شکسته، واژگان عامیانه	فروپاشی زبان اقتدار، بازنمایی حاشیه‌نشینان
گفتمان	چندآوایی و گفت‌وگوی صداها	طنز، تکرار، ارجاع بینامتنی، روایت‌های متکثر	بی‌اعتبارسازی گفتمان مسلط و بازتولید معنای بدیل
اجتماع	مقاومت فرهنگی و بازآفرینی سوژه	کنش واژگون‌سازی نشانه‌های رسمی	شکل‌دهی به سوژه‌ی آستانه‌ای و نقد نظم مسلط

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که «شعر ارتعاش» با ترکیب عناصر زبانی متضاد، ساختاری گفتمانی می‌آفریند که در آن مرزهای معنا و هویت همواره در حال جابه‌جایی‌اند. زبان در این شعر، دیگر ابزار بازنمایی نیست، بلکه میدان کنش اجتماعی است؛ جایی که مقاومت، نه در ستیز مستقیم، بلکه در جابه‌جایی نشانه‌ها و بازی با الگوهای گفتار رسمی تحقق می‌یابد.

در نهایت، می‌توان گفت مهدیان با بهره‌گیری از دموکراسی زبانی، تاریخ‌مندی واژگان و چندصدایی، شعر را از انفعال خارج کرده و به عرصه‌ی بازاندیشی در قدرت، فرهنگ و زبان بدل ساخته است. شعر ارتعاش در این معنا، نه صرفاً یک گونه‌ی شعری، بلکه تجربه‌ای نظری و زبانی است که گفتمان‌های متضاد جامعه‌ی پست‌مدرن ایرانی را در قالبی پویا بازتاب می‌دهد.

### پی‌نوشت:

(<sup>۱</sup>) پیشینه پژوهش در حوزه داستان: در زمینه ادبیات در حوزه داستان پژوهش‌های متعددی صورت گرفته که می‌توان به طور نمونه به موارد زیر اشاره کرد: مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی رمان چشمه‌پاش از بزرگ علوی بر اساس نظریه نورمن فرکلاف» که قتبری و فیروزیان (۱۳۹۹) در آن این الگوی تحلیلی را برای پیدا کردن رابطه متن و جامعه در یک رمان سیاسی مناسب دانستند که دستاوردی بدیهی است. و یا «تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی جنسیت در رمان غروب پروانه از بختیار علی» که شوهانی و حسینی (۱۴۰۰) که نشان می‌دهد ساز و کارهای یک جامعه‌ی مردسالار، چگونه با تولید یک گفتمان ضد زن و با استفاده از تکرار و طبیعی جلوه دادن گزاره‌ها و بنیان‌های فکری زن ستیز در زندگی روزمره، علاوه بر مردان، بخشی از زنان را نیز به مروجان و منادیان این فرهنگ تبدیل کرده است که چنین رویکردی در پژوهش‌های تحلیل انتقادی گفتمان در سال‌های اخیر بسیار افزایش یافته است.

(<sup>۲</sup>) نظریه زبانی و شعر پست‌مدرن ایران: براهنی و نظریه زبانی او سیر حرکت شعر آزاد فارسی را به سمتی نو سوق داد. او شعر فارسی را خسته از عرفان افلاطونی و قالب‌های کلیشه‌ای دانسته و می‌خواست شعر از قالب‌ها رها شده و به سمت زبانی نو و خلاق حرکت کند. نظریه زبانی، بر نقش محوری زبان در آفرینش ادبی و عدم تعیین معنای واحد در متن تأکید دارد و معتقد است که زبان تنها ابزاری برای انتقال معنا نیست، بلکه خود خالق معناست و معنا در فرایند خوانش و تفسیر متن شکل می‌گیرد و شناور است. او معتقد است که زبان دارای قدرت خلاقه‌ای است که در ساخت و معنا بخشی به متن نقش دارد. او با بیان اینکه معنا در شعر فارسی امری سیال و شناور است و از فردی به فرد دیگر و از زمانی به زمان دیگر تغییر می‌کند و اینکه هیچ معنای ثابت و واحدی در متن وجود ندارد مبحث عدم تعیین معنا را طرح نمود. و این امر و نگاه مخاطبان شعر فارسی را به مسئله معنا و خوانش متن دگرگون ساخت و آنها را از یک فرایند منفعل به یک فرایند فعال و خلاق سوق داد. این نظرگاه تأثیر قابل توجهی بر جریان شعر معاصر ایران گذاشت و براهنی ضمن تأثیرپذیری از فیلسوفان اگزیستانسیالیسم مانند سارتر و کامو، از دل چشم‌اندازها و آرای فلاسفه ساختارگرا و پسا ساختارگرا

با شعار «من شاعر نیمایی نیستم» آغازگر جریان شعر پست‌مدرن ایران شد. (شفق و بحرانی، ۱۳۹۷: ۱۴۱-۱۶۲).

<sup>(۳)</sup> **گفتمان:** مفهوم «گفتمان» در دو معنای مرتبط به کار می‌رود: نخست، به قطعه‌ای زبانی اشاره دارد که ریشه در سنت زبان‌شناسی انگلیسی-آمریکایی دارد و دوم، به سازمان‌دهی اجتماعی محتواها که از سنت فکری فرانسوی نشأت می‌گیرد؛ با این حال، میان این دو رویکرد هم‌پوشانی قابل‌توجهی وجود دارد (کوک، ۱۳۸۵: ۲۵۶). گفتمان ابزاری برای فهم روابط ارتباطی، طبقه‌بندی موضوعات و درک فرآیندهای زبانی در بسترهای اجتماعی است (عضدانلو، ۱۳۸۵: ۱۷). از دیدگاه اجتماعی، هر پدیده در قالب گفتمان معنا می‌یابد و از طریق زبان در معرض اجتماعی شدن و ورود به شبکه‌ای از گفتمان‌های قدرت قرار می‌گیرد (علی‌اکبری، ۱۴۰۲: ۲۹). فرکلاف (۱۹۹۵) به نقل از یورگنسن و فیلیپس، سه سطح از کاربرد گفتمان را برمی‌شمارد: نخست، به‌عنوان پرکتیس اجتماعی زبان؛ دوم، به‌مثابه کاربرد زبانی در حوزه‌ای خاص مانند سیاست یا علم؛ و سوم، به‌عنوان شیوه سخن گفتن از منظر خاص که به تجربیات معنا می‌بخشد (۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۱۹).

به گفته میلز، «گفتمان» امروزه واژه‌ای پرکاربرد در رشته‌های مختلف از جمله زبان‌شناسی، فلسفه و جامعه‌شناسی است، اما اغلب بدون تعریف دقیق به کار می‌رود (۱۳۹۲: ۷). او ضمن اشاره به پیچیدگی تاریخی این مفهوم، بر تداخل میان کاربردهای عمومی و نظری آن تأکید می‌کند. در فرهنگ لانگمن (۱۹۸۴)، گفتمان به گفت‌وگوی فرمال یا واحدی بزرگ‌تر از متن و گفتار اطلاق می‌شود (همان: ۸). به دلیل تعدد تعاریف، بسیاری از نظریه‌پردازان آن را مفهومی مبهم و چندلایه می‌دانند.

<sup>(۴)</sup> **تحلیل گفتمان انتقادی:** تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی میان‌رشته‌ای است که ریشه در زبان‌شناسی همگانی دارد و در چارچوب زبان‌شناسی انتقادی توسعه یافته است. این رویکرد در دهه‌های اخیر به حوزه‌هایی مانند ادبیات، جامعه‌شناسی، فلسفه، علوم سیاسی، هنر و روان‌شناسی گسترش یافته است و با الهام از متفکرانی چون دریدا و فوکو، از زبان‌شناسی محض فراتر رفته و به تحلیل اجتماعی - فرهنگی پدیده‌ها پرداخته است (صاحبی، فلاحی و توکلی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). در CDA، گفتمان نتیجه تعامل گفت‌وگویی در بافت اجتماعی است و معنا نه تنها در زبان بلکه در عرف و کارکرد اجتماعی آن شکل می‌گیرد. زبان به‌عنوان کنش اجتماعی عمل می‌کند و در شبکه‌ای از رفتارها و نگرش‌های نهادینه‌شده معنا می‌یابد (دبیرمقدم، ۱۳۷۸: ۴۸). گفتمان‌ها در تعامل دیالکتیکی با نیروهای اجتماعی شکل می‌گیرند و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند؛ برای مثال، در تحلیل‌های فرکلاف، پرکتیس‌های گفتمانی رسانه‌ای تحت تأثیر ساختارهای سیاسی و نهادی قرار دارند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۱). وجه انتقادی این رویکرد آشکارسازی نقش گفتمان در بازتولید روابط نابرابر قدرت و تلاش برای تغییر اجتماعی است (همان: ۱۱۴). CDA بر مطالعه انتقادی زبان با تمرکز بر بافت تاریخی، روابط قدرت و جهان‌بینی‌های اجتماعی تأکید دارد و هدف آن آشکارسازی ایدئولوژی‌ها و بازتولید روابط قدرت در متون روزمره است (فولر، ۱۹۹۱؛ فرکلاف و وداک، ۱۹۹۷؛ به نقل از دبیرمقدم، ۱۳۷۸: ۴۸). این رویکرد برخلاف تحلیل گفتمان سنتی، علاوه بر بافت غیرزبانی، روابط تاریخی و ساختارهای قدرت را نیز در شکل‌گیری زبان مؤثر می‌داند.

<sup>(۵)</sup> **گفتمان انتقادی از نگاه فرکلاف:** نورمن فرکلاف یکی از بنیان‌گذاران و چهره‌های برجسته تحلیل گفتمان انتقادی است و چارچوب نظری او جامع‌ترین در میان رویکردهای این حوزه به شمار می‌آید. گرچه او از میشل فوکو تأثیر پذیرفته، نگرش فرکلاف نسبت به قدرت متفاوت است؛ او روابط قدرت را نابرابر و سلطه‌گرانه

می‌داند و ایدئولوژی را عامل اصلی بازتولید این نابرابری می‌داند، زیرا اعمال قدرت در جوامع مدرن عمدتاً از طریق زبان و سازوکارهای ایدئولوژیک صورت می‌گیرد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۰۲). فرکلاف گفتمان را «زبان به مثابه کنش اجتماعی» تعریف می‌کند و معتقد است زبان نه تنها ابزار ارتباط بلکه بخشی از کنش اجتماعی است که تحت سلطه نیروهای ایدئولوژیک و ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۰). تحلیل CDA در نگاه او روشی نظام‌مند برای بررسی رابطه میان پرکتیس‌های گفتمانی و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است و نشان می‌دهد چگونه گفتمان‌ها از روابط قدرت نشأت می‌گیرند و در بازتولید هژمونی نقش دارند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۴). این رویکرد میان‌رشته‌ای به بررسی تعامل نوشتار، گفتار، شناخت اجتماعی، قدرت و فرهنگ می‌پردازد و هدف آن تحلیل تغییرات اجتماعی و فرهنگی و مبارزه با سلطه است (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۸۴). فرکلاف بر تلفیق تحلیل متن با تحلیل اجتماعی تأکید دارد و گفتمان را در بساخت هویت‌ها، روابط اجتماعی و نظام‌های دانش مؤثر می‌داند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۲؛ علی‌اکبری، ۱۴۰۲: ۳۴).

(<sup>۱</sup>) زیست در آستانه (Liminal existence): این اصطلاح برگرفته از مفهوم «آستانگی» (Liminality) در نظریه آیین گذار ویکتور ترنر است. منظور از آن، وضعیت یا تجربه‌ای است میان دو مرحله یا دو نظم اجتماعی و معنایی؛ حالتی که در آن مرز میان گذشته و آینده، نظم و آشوب، و ثبات و تغییر در هم می‌ریزد. در بافت شعر معاصر، «زیست در آستانه» به حضور شاعر یا سوژه در نقطه تعلیق میان گفتمان‌های متضاد (سیاسی، روزمره، شخصی و تاریخی) اشاره دارد؛ جایی که معنا هنوز تثبیت نشده و در حال شدن است. (ر.ک: از نظریه آستانگی ویکتور ترنر، ۱۹۶۹)

(<sup>۲</sup>) گفتمان مقاومت (Discourse of Resistance): اصطلاحی برگرفته از اندیشه‌های فوکو و تحلیل گفتمان انتقادی است که به هر گونه بازنمایی زبانی یا فرهنگی اشاره دارد که در برابر ساختارهای سلطه و ایدئولوژی مسلط ایستادگی می‌کند. در این معنا، مقاومت نه به صورت تقابل مستقیم، بلکه از طریق واژگون‌سازی زبان رسمی، بازی با معنا و افشای سازوکارهای قدرت در سطح گفتار عمل می‌کند. در شعر معاصر، گفتمان مقاومت به بازتولید صداهای به حاشیه‌رانده شده، زبان روزمره و روایت‌های ضدقهرمانانه مربوط می‌شود که در برابر گفتار رسمی و اقتدار فرهنگی قد علم می‌کنند. (ر.ک. فوکو، ۱۹۷۲؛ فرکلاف، ۱۹۹۵)

## کتابنامه:

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی - تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، *ادب پژوهی*، دوره اول، شماره اول، صص ۱۷-۲۷
- اکبریانی، محمد هاشم (۱۳۸۱). «شاعر دهه شصت و هفتاد نتوانست شاعر دهه هشتاد می‌تواند»، *نشریه کارنامه*، دوره ۲۸، شماره ۸۱، صص ۴۲-۴۶
- امیرخانی، محمدحسن و همکاران (۱۴۰۳). «تحلیل گفتمان انتقادی فرآیندهای واجی کاهش و افزایش در شعرهای نو مهدی اخوان ثالث»، *ادبیات پارسی معاصر*، دوره ۴، شماره ۳۶، صص ۲۷-۶۱
- بهرام پور، شعبانعلی (۱۳۷۹). «درآمدی بر تحلیل گفتمان»، *مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی*، تهران: فرهنگ.
- خدایار، ابراهیم و محمدرضا ترکی و لیلا مشفق (۱۴۰۳). «شعر ارتعاش، شعر بی‌بدن (بررسی شاخصه‌های شعر ارتعاش)»، *مجموعه مقالات دومین همایش ملی ادبیات معاصر فارسی و نهمین همایش ملی نقد و نظریه ادبی*، صص ۱۱۸-۲۱۰
- دبیر مقدم، محمد. (۱۳۸۶). *زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی*، چاپ ۲، تهران: سمت.
- سلطانی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۸۴). *قدرت گفتمان و زبان*، جلد ۱، تهران: نی.
- شفیق، اسماعیل و بلال بحرانی (۱۳۹۸). «جریان شعر زبان در دهه هفتاد، با تاکید بر شعر رضا براهنی»، *مجله علمی شعرپژوهی دانشگاه شیراز*، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۱۴۱-۱۶۲
- صاحب، سیامک و همکاران (۱۳۸۹). «بررسی و نقد روایی گلستان بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان»، *پژوهشی در پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۱۳۳-۱۰۹
- طاهری، قدرت‌الله (۱۳۸۴). *پست مدرنیسم در شعر معاصر ایران، فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، دوره ۲، شماره ۸، صص ۲۹-۵۰
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰). *گفتمان و جامعه*، تهران: نی.
- علی‌اکبری، نسرين (۱۴۰۲). «تحلیل گفتمان انتقادی شعری از سیمین بهبهانی با رویکرد فرکلاف»، *فصلنامه علمی تحلیل گفتمان ادبی*، دوره اول، شماره اول، صص ۲۳-۴۸

- فرکلاف نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و همکاران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- کوک، جاناتان (۱۳۸۵)، *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*، زیر نظر ایرناریما مکاریک، ترجمه مه‌ران مهاجر، محمد نبوی، چاپ ۲، تهران: آگاه.
- لطیف‌نژاد، فرخ (۱۴۰۳)، *جریان‌شناسی شعر معاصر؛ شعر زبان، شعر پسازبان (۱۴۰۳-۱۳۷۰)*، اهواز: کتاب هر‌م‌ز.
- مهدیان، احسان (۱۳۹۴)، *کشمکش*، تهران: نصیرا.
- ون دایک، تئون (۱۳۸۲)، *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*، ترجمه ایزدی پیروز و دیگران، تهران مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- پورگنسن، ماریانه و لوئیز فلیپس (۱۳۹۳)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، چاپ ۴، تهران: نی.